

ارمغان اشک

<?xml encoding="UTF-8?">

بسیار خواننده ایم که امام شهیدان، مظلومند؛ این مظلوم به کدام معنا است؟
ریشه مظلوم «ظلم» است و ظلم ضد عدل و عدل، نهادن هر چیزی در جایگاه خویش است. پس مظلوم به کسی می گویند که از جایگاه اصلی خود، کنار زده شده باشد. این تعبیر زیارت عاشورا، تفسیری بر معنای مظلوم است: «والتکم عن مراتبکم الّتی رتبکم الله فیها». «شما را از آن مرتبه هایی که خدا شما را در آن جایگاه قرار داده بود، کنار زدند»، این یک معنا برای مظلوم.
گاهی «مظلوم» را به معنای کسی که جفایی و ستمی خاص در حق او شده باشد، به کار می برند. این استعمال بسیار شایع است و ارتباط با همان معنای اول دارد. (1)
معنای دوم، هم دو صورت دارد:

مظلومی که در برابر ستم ایستاده است و به او ظلم شده است: مظلوم ظلم ستیز.
مظلومی که در برابر ستم و تحمیل ذلت، تسلیم شده است.
تعبیر «مظلوم» که برای امام حسین (ع) به کار گرفته شده است به دو معنا است: «آن کس که از جایگاه خویش - که خدا برای او مشخص نموده بود - کنار زده شده است» و «ظلم ستیزی که بر او در راه مبارزه با بیدادگری و احقاق حقیقت، ستم رفته است».

آیا انگیزه قیامها گوناگون است؟

از همه ابعاد این قیام که چشم بپوشیم، قیامی است برای ما و برای اسلام ما و به نفع ما. با مثلی موضوع را روشن می کنم: اگر به شما خبر دهند که عزیز شما غافلانه در خطر له شدن در زیر چرخهای تریلری بود و مردی فداکار به خاطر نجات فرزند شما، خودش به زیر چرخها رفت و پیکرش له شد، چه احساسی نسبت به او پیدا می کنید؟ یقیناً - به دلیل علاقه وافر که به عزیز خود دارید - حرمت خاصی برای کشته شده قائلید که در صورت عادی (در آنجا که آن مرد غافلانه به زیر چرخها رفته) چنین احساس بالایی را ندارید.
درگیری پایداران امام حسین (ع)، بر سر مسئله شخصی نبود! همیشه دشمن رویگردان از ارزشها، تمایل شدید دارد که رهبر یا رهبران مخالف خود را بخرد و بعد از آن مردم را به شدت و بدون دغدغه سرکوب کند. همین شرایط برای نبی اکرم (ص) رخ داد که در پاسخ فرمودند: اگر خورشید را در دست راستم و ماه را در دست چپم بگذارید، حاضر نیستم به آشتی و مدهانه باز گردم چه رسد که پیشنهاد زن و زیور و حاکمیت مرا بفریید.
از شما عزیز می خواهم که سخنان حماسی امام حسین (ع) را از ماه رجب 60 هجری تا 10 محرم 61، از این دید بررسی کنید که تا چه حد زمینه سازش و فراهم آمدن رفاه و آسایش برای امام پیش آمد ولی امام به خاطر دین ما و غیرت انسانی ما تا همیشه تاریخ، از قبول سرباز زدند و تا ظهر روز عاشورا هم، مرتباً پیشنهاد سازش مطرح می شد و غیرت حسینی، آن را به دیوار می کوبید. این همه توضیح را برای این مقصود می نگارم که جرعه ای را در باب، بن بست نبودن کربلا برای هر خواننده آشنا و ناآشنا، امروز و فردا، زده باشم.

این جمله امام را در لحظه های غربت عاشورا بشنوید:

«آن ناپاک، پسر ناپاک، مرا میان دو امر مختار ساخت که یا تسلیم شوم و یا دست به شمشیر ببرم . آی که ذلت تسلیم چقدر دور از ما است ...» (2)

اسلام در خطر انهدام بود که فرمود: «بر اسلام سلام باد (باید فاتحه آن را خواند) زیرا که امت، گرفتار چنان یزید شده است .» (3)

امت چنان بی تفاوت بود که برای فسقهای آشکار از سوی مدعی خلافت رسول خدا (یزید) و شراب خواری آشکار او و بازی با بوزینه و سگها، هیچ واکنش ابوذرانه ای را تاریخ ننوشته است .

حاکم و محکوم در یک قصه همداستان بودند و آن نابودی دین بود و این است معنای آن سخن زیبا: «پیدایش اسلام، محمدی است و تداوم آن حسینی .»

در قیامها، آنچه بسیار مهم است، محصول قیام است و نجات یافته آن . در قیام امام، امت و اسلام نجات یافتند و به قول سید قطب «حسین بن علی، با شهادت خود، آرمان و عقیده را پاسداری و حفاظت کرد؛ کاری که اگر کسی می خواست در طول حیات خود - هزار سال هم که باشد - انجام دهد، نمی توانست» (4) .

پس ما از آن جهت صاحب سودیم که دینمان و غیرت انسانی مان، توسط آن قیام، حفظ شده است . شاید بخشی از آن همه تکریم از حسین (ع) به همین دلیل باشد .

ابعاد مختلف قیام عاشورا

قیام عاشورا، ابعاد متعددی دارد که نگارنده با ذهن ناتوان خود، به برخی از آنها دست یافته است:

1 . بعد آموزش و عبرت؛

2 . بعد حماسه حسینیان؛

3 . بعد مظلومیت جبهه نور (ستمیدگان ستم ستیز) ؛

4 . بعد جنایتهای انسان فرو افتاده (در جبهه دشمن) .

جبهه نور - در راه ستیز با ظلمت - رنج دیدند و چه رنجهای که برخود هموار نکردند! از کدامین ستمهای دشمن باید یاد کرد؟

آب را بر میهمان دعوت شده بستن تا آنجا که شیرخواره ای - چنان ماهی در کویر افتاده - لبها را می گشود و می بست .

تشنگی انسان بیداد می کرد که جوان رزم آور و آب آور حسین (ع)، علی اکبر، از میدان بازگشت و با پدر از شدت عطش، درد دل کرد و امام به مقاومتش فرا خواند!

داغ و فراق کولاک می کرد؛ فراق پدر، فراق برادر، فراق پسر، اذن خواهی نوجوان، در خون تپیدن ده ساله ها و ... به آتش افتادن خیمه هایی در دل بیابان و آوارگی کودکان در میان بوته ها! به زنجیر کشیده شدن چهارمین امام معصوم!

و در بند آوردن زینب

اسارت و در دید نامردان درآوردن مطهران و زندانی و خرابه نشینی عرشیان!

و چه بگویم که کتابهای تاریخی سرشار از مظلومیتهای اهل بیت است!

از آنجا که عزاداری برای سایر قیامهای مجاهدانه و مظلومانه - در عین نیکو بودن - پیام جامع و کامل برای همه ابعاد زندگی ما ندارد و رهبران معصوم ما به سوگواری برای حسین (ع) دعوتمان کرده اند - که حکمت سفارش آنها را باور داریم - بدین روی، حرمت خاصی برای قیام عاشورایی امام، در سینه داریم و در هر مناسبت، اظهار می کنیم .

عاشورا درس آموز بزرگ ما است و مدرسه کمال و از آنجا که برپایی هر ساله 50 تا 60 شب مراسم، ایجاد کلاسهای معارف اسلامی است؛ ارج نهادن به پیام قیام امام را، پر ثمر می دانیم .

اشک ریختن برای مجاهد ستم ستیز و ستمدیده که همه خوبیها را در خود دارد، نشان تعظیم و تکریم و کرامت انسان است و از سر شوق و عشق و عاطفه و سرور شهیدان، نیازمند اشک ما نیست، اما اشک با معرفت ما آتش عشق را تیزتر می کند و جوشش یک قلب سالم است .

ما از حزنمان بر حسین (ع) و همدردی با کربویان، به اوج لذت می رسیم و این نشان بروز عشق است و غیر از حزنهای آزار دهنده .

مظلومیت امام حسین (ع) دو معنا دارد:

صاحب حق امامت و خلافت که به ناحق، از جایگاه خدادادی اش، دور شد و آن کس که در راه ستیز با ستم، ستم دید و فراوان هم آسیب دید؛ گرچه در اوج رضایت، این معامله با خدا را شکل داد .

قیامهایی در تاریخ تحقق یافته که از درجه خلوص بالایی برخوردار نبوده و یا کاملاً در خدمت هدفهای گروهی و حزبی بوده است . نگاه ما - با توجه به اصول اعتقاداتمان - به قیام حضرت، نگاه خاصی است . آن رادمرد سترگ، قیامی را شکل داد که منافع بی شمار آن به انسانیت و اسلامیت و مسلمانی ما باز می گردد؛ در یک کلام باید گفت: قیامی برای ما و آیین ما . تجلیل از این قیام، تجلیل از خلوص است و مردم دوستی .

آری عاشورا را از پیرایه ها که پاک کنیم، تقویت موج مکتب است و تزریق خون غیرت و مائده واسعه آسمانی است به زمینیان و پیوند با آن، ما را شکل می دهد .

پی نوشت ها :

- 1 . ستم به او در جایگاه واقعی اش نبود . این برخورد با او نباید انجام می گرفت .
- 2 . بخشی از خطبه معروف امام - سخنان حسین بن علی از مدینه تا کربلا - محمد صادق نجمی، چاپ جامعه مدرسین .
- 3 . سخنان حسین بن علی از مدینه تا شهادت، محمد صادق نجمی، چاپ جامعه مدرسین .
- 4 . تفسیر فی ظلال القرآن در بخش تفسیر جزء 24 .